

الفصحی و العامیة فی اللغة العربیة

قسمت اول

حبیب تقوایی

مدرس مرکز تربیت معلم دکتر شریعتی ساری

مقدمه

در یک تعریف ساده می‌توان گفت که زبان فصیح، شکل نوشتاری و زبان عامیانه شکل گفتاری زبان است. برخی به زبان فصیح اهمیت می‌دهند؛ چون معتقدند زبان فصیح، زبان رسمی و ادبی کشورهای عربی است. عده‌ای هم معتقدند برای رفع نیازهای روزانه یادگیری زبان عامیانه الزامی است.

امروزه طرفداران زبان فصیح، زبان عامیانه را خطری بزرگ برای سلامت زبان می‌دانند و از گسترش روزافزون آن در رسانه‌های مختلف، ابراز نگرانی می‌کنند.

از طرف دیگر حامیان زبان عامیانه، زبان فصیح را به دشواری قواعد، مشکل اعراب، به روز نبودن و... متهم می‌کنند و زبان عامیانه را به دلیل داشتن سهولت و سرعت ترجیح می‌دهند. کشورهایی چون مصر و لبنان در این عرصه پر دیگران پیشی گرفته‌اند و ادبای بزرگی همچون سعید عقل لبنانی، احمد رامی و... از مروجان عامیانه در ادب و شعر هستند.

البته داوری میان طرفداران زبان فصیح و عامیانه خود بحث مستقلی است که پژوهشی خاص را می‌طلبد. آنچه اکنون مورد نظر این پژوهش است، مقایسه‌ای است کاربردی و آموزشی بین زبان فصیح و عامیانه که امید است مفید واقع شود.

هموطنانی که در ایران با زبان عربی فصیح آشنا شده‌اند، وقتی که به کشورهای عرب‌زبان مثل سوریه می‌آیند، در اولین قدم، هنگام گفت‌وگو با رویدادی غیرمنتظره مواجه می‌شوند که آنها را غافل گیر می‌سازد. زیرا با عبارتی مانند «شو بڈک، عشمال، آدیش، وینک، إستنا، شوویه، إیمت، إجا، مین و...» مواجه می‌شوند که هرگز در زبان فصیح نه خوانده و نه شنیده‌اند و ممکن است خود را به دلیل فراگیری زبان فصیح سرزنش کنند و نتیجه بگیرند که یادگیری زبان فصیح کارایی ندارد و بر این اساس، امری بیهوده بوده است.

در این پژوهش برای نفی این اعتقاد، قصد داریم ضمن آموزش زبان عامیانه، نقش و اهمیت زبان فصیح را در فراگیری زبان عامیانه نشان دهیم و ثابت کنیم افرادی که با زبان فصیح آشنایی دارند راحت‌تر و سریع‌تر از دیگران می‌توانند زبان عامیانه را فرا بگیرند.

این پژوهش به منظور رعایت حجم مطالب در دو بخش تقدیم شما می‌گردد به این امید که مفید واقع شود.

◀ **کلیدواژه‌ها:** عربی، فصیح، عربی عامیانه سوری، تغییرات حروف، ضمایر در عربی عامیانه سوری.

۱. تلفظ حروف

در عربی عامیانه تلفظ حروف دچار تغییراتی مهم می‌شود و گاه حروفی به جای حروف دیگر تلفظ می‌شوند و گاه از مخارج اصلی نیز ادا نمی‌شوند. توجه به این تغییرات، به‌خصوص در گوش دادن به زبان عامیانه، ضروری است.

۲. تغییرات حروف در زبان عامیانه (فرایند واجی)

در هر زبانی به مرور زمان و به دلایل مختلف، تغییراتی در شکل و قالب اصلی برخی کلمات پدید می‌آید. این تغییرات در اصطلاح زبان‌شناسی امروز با عنوان «فرایندهای واجی» شناخته و بررسی می‌شوند.

زبان عربی نیز از این فرایند، بی‌بهره نمانده است و در زبان عامیانه با کلمات زیادی مواجه می‌شویم که دچار «فرایند واجی» شده‌اند. بررسی این تغییرات و آشنایی با آن برای کسانی که با زبان فصیح آشنا هستند، باعث تسریع در فراگیری زبان عامیانه می‌شود.

در عربی عامیانه تلفظ

حروف دچار تغییراتی

مهم می‌شود و گاه

حروفی به جای حروف

دیگر تلفظ می‌شوند

گاه از مخارج اصلی

نیز ادا نمی‌شوند.

توجه به این تغییرات،

به‌خصوص در گوش

دادن به زبان عامیانه،

ضروری است



حرف	تلفظ	مثال
۱	غالباً همزه تلفظ می‌شود.	قال: آل / قلب: ألب
	و ندرتاً «قاف» تلفظ می‌شود.	قطار: قطار
۲	گاهی «د» تلفظ می‌شود.	ذهب: ذهب / ذنب: دنب
	گاهی «ز» تلفظ می‌شود.	ذاکرة: زاكرة / إذا: ازا
۳	غالباً «ت» تلفظ می‌شود.	الثانی: الثانی / مثل: مثل
	گاهی «س» تلفظ می‌شود.	أثر: أسر / ثمرة: سمرة
۴	گاهی «ض» تلفظ می‌شود.	ظهر: ضهر
	گاهی «ز» تلفظ می‌شود.	ظلم = زلم
۵	گاهی «ز» تلفظ می‌شود.	صغير: زغیر
	در وسط کلمه «ی» تلفظ می‌شود.	رائع: رایع
۶	در آخر کلمه تلفظ نمی‌شود.	مساء: مسا / سماء: سما
	«ه» تلفظ می‌شود.	مدرسة: مدرسه
۷	در حالت اضافه «ت» تلفظ می‌شود.	مدرسة اخی: مدرست اخی
	حروف «ح، خ، ر، ص، ض، ط، هاء، ع، غ، ق، ه» قبل از «ة».	فرحة، شیخة، قصة، مریضة...
۸	حروف دیگر، قبل از «ة» کسره می‌گیرند.	مرجة، مزة، مدرسة، ورشة
	قبل «ة» حرف «راء» و ما قبل آن «حی» باشد، حرف «راء» کسره می‌گیرد.	سيرة
	حرف قبل از «ة» دو حالت دارد.	

انواع فرایندهای واجی

۳. اشاره به برخی تغییرات در کلمات

۱. حروف جر:

در استفاده از حروف جرّ، در زبان عامیانه تغییراتی روی می‌دهد که به شرح زیر است.

الف) کاربرد «ب» جارّه، به جای «فی».

مثلاً به جای «أنا ساکن فی المزة» گفته می‌شود: «أنا ساکن بالمزة».

ب) کاربرد «فی» به جای «بی».

مثلاً به جای «أنا اتصلت بک» گفته می‌شود: «أنا اتصلت فیک».

ج) تبدیل حرف جارّه «علی» به «ع».

مثلاً به جای «الدّفر علی الطاولة» گفته می‌شود: «الدّفرع الطاولة».

د) کاربرد «علی» به جای «إلی».

مثلاً به جای «أذهب إلی البیت» گفته می‌شود: «رُح ع البیت».

ه) تبدیل حرف جارّه «إلی» به «لب».

الف) فرایند کاهش: در این فرایند حرف یا حروفی از

اصل کلمه حذف می‌شود.

مثال: تبدیل کلمه «نصف» به «نُص».

و تبدیل حرف جرّ «علی» به «ع».

ب) فرایند افزایش: در این فرایند حرف یا حروفی به

اصل کلمه افزوده می‌شود.

مثال: تبدیل حرف جارّه «ل» به «إل، لِک».

شُکراً لک = شُکراً إلک، شُکراً لِک

ج) فرایند جابه‌جایی: در این فرایند جای حروف کلمه

عوض می‌شود.

مثال: تبدیل «جاء» به «إجا» و تبدیل «أحد» به «حدا».

د) فرایند تبدیل: در این فرایند حرفی جای‌گزین حرف

دیگر می‌شود.

مانند، تبدیل حرف «ث» به «ت». مثال: «ثانی» به «تانی»



مثلاً به جای «خُد الاولاد إلى الحديقة!» گفته می‌شود: خودُ
الولاد للجَنينة!»

(و) حرف جازه «ل» به صورت «إل، لِال» به کار می‌رود.

مثال: شکرًا لک = شکرًا لِک، شکرًا لِالک

۲. تغییر مکان حرف اول به آخر: مانند تبدیل کلمه «أحد»
به «حدا».

مثال: فصیح: لایوجد أحدٌ فی البیت. عامی: ما فی
حدا بالبیت.

۳. تغییر مکان حرف آخر به اول: مانند تبدیل «جاء: آمد»
به «إجا».

مثال: فصیح: من جاء؟ عامی: مین إجا؟

۴. جابه‌جایی حرف اول با آخر: مانند کلمه «زوج» به معنای
همسر که به «جوز» تبدیل می‌شود.

۴. نکاتی از حروف

۱. تلفظ حرف (ج) عربی با نطق (ز) در سوریه و لبنان،
که شاید ناشی از تأثیرپذیری زبان ایشان از اصل آرامی یا در
اثر نفوذ قریب یک ربع قرن فرهنگ فرانسوی است. همچنانکه
این حرف را در مصر و از زبان مصریان به صورت (گ) فارسی
می‌شنویم؛ مثلاً:

تلفظ فصیح: جمال - جمیل - جواز - مجله

تلفظ سوری و لبنانی: ژمال - ژمیل - ژواز - مژله

تلفظ مصری: گمال - گمیل - گواز - مگله

تلفظ حرف (ج)

عربی با نطق (ژ)

در سوریه و لبنان،

که شاید ناشی از

تأثیرپذیری زبان

ایشان از اصل

آرامی یا در اثر

نفوذ قریب یک

ربع قرن فرهنگ

فرانسوی است

۲. غلیظ تلفظ کردن برخی حروف الفبا و خفیف تلفظ
نمودن برخی که خود غلیظ‌اند.

مانند تبدیل حرف «ض» به «د»: مثال «تفضّل» به
«تفدّل» یا «فدّل» و «بیض» به معنای تخم مرغ به «پید» و
مانند تبدیل حرف «ت» به «ط»: مانند «لیرتین، مرحتین،
صحتین» به «لیرطین، مرحیطین، صحطین».

۳. إمالة الف: معمولاً عرب‌ها حرف الف فارسی را به صورت
مصوت کوتاه، یعنی فتحه، (ماله) تلفظ می‌کنند؛ مثلاً کلمه
«یحیی» را «یحیا» نمی‌گویند، بلکه طوری می‌گویند که گمان
می‌رود «یحیه» گفته شده است.

مثلاً «حسان» به صورت «حسن» یا حتی «حسین» شنیده
می‌شود و به جای لفظ «عائله: خانواده»، «عیله» و به جای «هذا
و هادا»، «هید» می‌گویند.

۴. حرف «گ» در میان حروف الفبای عربی وجود ندارد؛
به همین جهت آن را به «ک» یا «ج» یا «خ» تبدیل می‌کنند
و «همبرگر» را «همبرجر» و یا «همبرغر» می‌گویند، همچنین
«سامسونج، گولد جراند و...» مگر اینکه خود را به تلفظ درست
آن مقید کنند. ناگفته نماند که حرف «گ» در لهجه مردم مصر

و عراق بر زبان می‌آید. از همین روی، چنانچه متوجه نوشته
فارسی شوند، به آسانی می‌توانند آن را تلفظ کنند.

۵. عرب زبانان، برای تلفظ حرف لاتین (V) نخست آن را
به صورت حرف «ف» گفته، بعداً حرف ویژه‌ای برای نشان آن
وضع نموده‌اند. این حرف «فاء با سه نقطه است (ف)» و مقرر
نموده‌اند که این حرف (ف) را برای (V) لاتین و با همان تلفظ
بنویسند و بخوانند، مانند (ویزا-فیزا)، (ویلا-فیلا)، (وین-فین).

۶. گاه، در اثر سرعت در گفتار، حروفی از تلفظ ساقط
می‌شود، مانند همزه وصل در عربی، و ادغام در یرملون...
در لهجه سوریه و لبنان هم چنین است و به جای «عندک و
عندی»، «عتک و عتی» می‌شنویم، که شاید از تأثیر پیشینه
سریانی و زبان آرامی باشد.

۷. در لهجه عامیانه مردم سوریه و لبنان، حرف (ث) عربی،
همانند تلفظ سریانی (ت) و در برخی کلمات به صورت (س)
تلفظ می‌شود، که در زیر به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم.

(ثانی - تانی)، (اثنین - تنین)، (ثالث - تالت)، (ثلاثه - تلاته)،
(ثمانیه - تمانه)، (مثلاً - مسلاً)، (ثابت - سابت)

۸. در واژه آسانسور، حرف «سین» را غلیظ تلفظ می‌کنند و
به صورت حروف «صاد» می‌گویند. به همین جهت شنونده، آن را
«صانصیر» می‌شنود، ولی واژه‌ای که در فرهنگستان عربی برای
آن وضع شده «مصعد» است یعنی «بالابرنده» (بر وزن «مفعل»
از اوزان معروف اسم‌های «آلت»).

۹. حرف جر (علی) جای‌گزین بسیاری از حروف جاره دیگر
می‌شود.

مثلاً «عَبْرَه» به معنای «فی الغد»: فردا صبح است.

۱۰. جانشین شدن برخی حروف به جای دیگری (همان‌گونه
که در زبان فارسی برخی حروف به جای حروف دیگری به کار
می‌روند، مانند کاربرد (ف به جای واو) در دیفال به جای دیوار، در
زبان مردمی)، مانند کاربرد (خ) به جای (غ) در «اغسل: اخسل»
و...

الفصحی و العامیة العربیة (بخش دوم: ضمیر)

ضمیر

۱. صرف صیغه‌های ضمیر:

در عربی فصیح اسم از جهت عدد بر سه نوع است: مفرد،
مثنی و جمع.



نکته جالب این است که در عربی عامیانه، همانند زبان فارسی، صیغه‌های مثنی و جمع مؤنث کاربرد ندارند و ضمائر چهارده گانه زبان فصیح، در عامیه به هشت ضمیر تقلیل می‌یابد.

ضمایر متصل		
کتابُکُن: کتاب شما	کُنْ	کُم
		کُننْ
کتابِی: کتابم	ی	ی
کتابُنَا: کتابمان	نَا	نَا

اتصال ضمیرهای متصل هشت گانه به اسم
در عامیانه، همان‌طور که می‌دانیم، حرف آخر در کلمات برخلاف فصیح ساکن می‌شود و حرکت مورد نظر غالباً به حرف ماقبل منتقل می‌شود.

معنی	کلمه	ضمیر متصل	ضمیر منفصل
اسم من	اسمی	ی	أنا
اسم ما	اسمنا	نَا	نحنَا
اسم تو	اسمک	ک	إنتَ
اسم تو	اسمک	یک	إنتِی
اسمتان	اسمتان	کُنْ	إنتو
اسمش	اسمو	وْ	هوْ
اسمش	اسما	لَا	هَیْ
اسمشان	اسمئان	نْ	هَیننْ

ضمایر منفصل			
عامیه	فُصحی	غایب	۱
هوْ	هو		۲
هَیْ	هَی		۳
هما	هما		۴
هُم	هُم		۵
هَیننْ	هَیننْ		۶
إنتَه	أنتَ	مخاطب	۷
إنتِی	أنتِ		۸
_____	أنتما		۹
_____	أنتم		۱۰
إنتو	أنتما		۱۱
_____	أنتنْ		۱۲
أنا	أنا	متکلم	۱۳
نحنَا (إحنا)	نحن		۱۴

ضمایر متصل		
فصحی	عامیه	مثال
ه	وْ	کتابو: کتابش
ها	لَا	کتابا: کتابش
هما	_____	_____
هما	_____	_____
هم	نْ	کتابن: کتابشان
هین	_____	_____
ک	ک	کتابک: کتابت
ک	یک	کتابک: کتابت
کما	_____	_____
کما	_____	_____



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

